

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. بدیع در لغت و اصطلاح به معنای چیست؟
  ۲. نخستین کسی که در کلام عرب متوجه زیبایی‌های لفظی و معنوی آن شد چه نام داشت و در کدام سال کتاب البدیع را نوشت؟
  ۳. صنایع لفظی و معنوی کدام صنعت‌ها را در بر می‌گیرد؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## علم بدیع

بدیع در لغت به معنای نوآورده شده، تازه، زیبا و آراسته است و در اصطلاح عبارت از



آرایش سخن فصیح و بلیغ، خواه نظم باشد یا نثر. مرادف آن را سخن آرای، نادره گویی و نغز گفتاری می‌توان گفت.

نخستین کسی که به زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتز بود، که در سال ۲۷۴هـ. ق. کتاب البدیع را نوشت؛ همچنان در زبان دری نیز در بخش علوم بلاغی به ویژه

علم بدیع توجه صورت گرفت، که در این زمینه کتاب‌های «ترجمان البلاغه» محمد بن عمر رادویانی، «حدائق السحرفی دقائق الشعر» رشیدالدین محمد وطواط و «المعجم فی المعاییر اشعار العجم» نوشته شمس قیس رازی بسیار شهرت دارند. باید بدانیم که علم بدیع یکی از علوم ادبی است، که از صنایع کلام و زیبایی‌های لفظی و معنوی بحث می‌کند.

اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی می‌گردد، محسنات و صنایع بدیعی

می‌گویند و آن را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند:

**الف) صنایع لفظی:** آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد، چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر بدهیم، زیبایی آن زایل گردد؛ مانند صنعت سجع در جمله «هنر، چشمه زاینده است و دولت پاینده» اگر کلمه پاینده را به جاویدان تبدیل کنیم همان معنا را میرساند؛ اما زیبایی نثر مسجع را زایل می‌کند.

**۱. سجع:** سجع در لغت آواز فاخته و کیوتر را می‌گویند و در اصطلاح علم بدیع آوردن دو کلمه هماهنگ است در پایان فقره‌ها، که با هم متوافق باشند. سجع بر سه قسم است: **سجع متوازی:** از نظر وزن و حرف آخر (روی) یکسان باشند. این گونه سجع را سجع متوازی می‌گویند؛ به‌طورمثال:

«منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»  
«هر کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال»

سعدی - گلستان

**سجع مُطَرَّف:** آن نوعی از سجع است که در الفاظ آن حرف‌های روی متفق است؛ ولی وزن مختلف؛ مانند: خال و خیال. در این شعر سلمان ساوجی:

ما به خدا تا خیال خال تو داریم      حال پریشان‌تر از خیال تو داریم

**سجع متوازن:** آن است که کلمه‌ها در وزن یکی باشند نه در حرف آخر؛ مانند: «بحری است موج و شخصی است نقاد» که بحری و شخصی و موج و نقاد تنها در وزن باهم یکی اند، نه در حرف‌های روی.

**۲. جناس یا تجنیس:** آن است که در آن دو کلمه از نظر شکل نگارش و حرکت یک سان بوده؛ ولی از دیدگاه معنا تفاوت داشته باشند:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر      گرچه باشد در نوشتن شیر شیر  
که یکی (شیر که از گاو و دیگر حیوانات به دست می‌آید) و دیگری (شیر پادشاه جنگل می‌باشد) که جناس تام است.

**جناس ناقص:** آن است که کلمه‌های همجنس در حرکت مختلف باشند؛ مانند:

مُلک هم بر مَلک قرار گرفت      روزگار آخر اعتبار گرفت

**جناس زاید:** آن است که یکی از متجانسین را حرفی زیاده باشد، در اول یا در وسط یا در آخر، مانند:

از حسرت رخسار تو ای زیباروی      از ناله چو نال گشتم و از مویه چو موی

**جناس خطی:** دو کلمه در صورت یکی؛ ولی فرق آن‌ها در نقطه است؛ مانند بیمار و تیمار

**ب) صنایع معنوی:** آن است که زیبایی سخن مربوط به معنا باشد نه به لفظ، چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند.

**تناسب:** آوردن دو یا چند کلمه است، که باهم مناسبت داشته باشند.

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو  
(حافظ)

در این بیت کلمه‌های مزرع / سبز / داس / کشته / درو و کلمه‌های سبز / مزرع / مه نو باهم تناسب دارند.

**تضاد:** آوردن کلمه‌هایی است که باهم ضدیت داشته باشند؛ مانند:

پیر از و گردد جوان، غمخوار از و یابد طرب / زو قوی گردد ضعیف و زو غنی گردد فقیر  
(رودکی)

**ایهام:** آن است که شاعر یک کلمه را که دارای دو معناست به کار بگیرد؛ در حالی که دیگران به معنای نزدیک کلمه التفات می‌کنند؛ منظور شاعر معنای دور کلمه باشد؛ مانند:

به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو / ترا که گفت که این زال ترک دستان کرد

(سعدی)

در این جا ایهام در کلمه‌های (زال) که نام پدر رستم است و معنای پیر زن را نیز می‌دهد و (دستان) نیز از یک سو لقب زال پدر رستم است و از سوی دیگر به معنای حیل و نیرنگ نیز آمده، منظور شاعر این است که پیر فلک دست از حیل و نیرنگ بر نگرفته است.

**ارسال المثل:** شاعر در شعر خود از ضرب‌المثل استفاده می‌کند:

کارم از اشک و آه پیش نرفت / که زمین سخت و آسمان دور است

یا:

ندارم اختیار گریه امشب / به در می‌گویم ای دیوار بشنو!

**صنعت تلمیح:** که شاعر در آن به داستان‌ها و روایات قدیمی اشاره می‌کند:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

(حافظ)

غیر از این‌ها دیگر صنایع لفظی و معنوی نیز وجود دارد، که در این جا آن‌ها را یاد نکردیم؛ ولی راه طلب برای شاگردان علاقه‌مند باز است.

\* رشیدالدین وطواط از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم در بلخ متولد شد. وی تحصیلاتش را در مدرسه نظامیه آنجا به پایان رسانید و در زبان دری و عربی مهارت یافت. پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان درآمد و صاحب دیوان رسایل دربار گردید. بر علاوه اثری که در متن از آن تذکر به عمل آمد اثری منثور دارد (سخنان حضرت علی علیه السلام را به دری) درآورده است، منظومه‌یی در عروض فارسی و همچنین چند رساله به زبان عربی در مسایل ادبی دارد.

\* شمس قیس رازی از دانشمندان قرن هفتم هجری اهل ری بود؛ ولی مدت درازی در خراسان، ماوراءالنهر و خوارزم اقامت کرد.

### بیاموزیم

۱. علم بدیع یکی از علوم ادبی است که از صنایع کلام و زیبایی‌های لفظی و معنوی بحث می‌کند.
۲. نخستین کسی که به زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتز بود، که در سال ۲۷۴ هـ. ق. کتاب «البدیع» را نوشت.
۳. صنایع لفظی آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد؛ چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر بدهیم زیبایی آن زایل گردد؛ مانند: صنعت سجع، جناس و....
۴. صنایع معنوی آن است که زیبایی سخن مربوط به معنا باشد نه به لفظ؛ چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنا تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند، مانند: صنعت ایهام، تناسب، تلمیح، ارسال‌المثل و...

